



شرایط اقلیمی بیان واقعیت‌ها

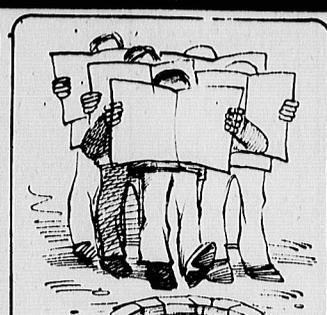
طلب انسان در شرایط اقلیمی خاص، که در صورت نیاز ایجاد خواهد کرد، عیان اختیار عقل سلیم را برده و دیگر پارسیه‌ها آسوم حکومت فردی روح یافته و در حیطه مسئولیت نهادهای آسوم دخیل در اداره امور دست اندازی خواهد شد.

سه مشخصه برشمرده شده در بالا لزوم خواهد داشت و محدودیت کردارها را واجب می‌کند.

نکته: به وضع آنچه درجه در دریا، در زمین و در حیطه، میگذرد و درنگی از آنچه در حیطه و زمین و در حیطه است نشان میدهد که اگر دست اندکاران جمهوری اسلامی به تفاهم رسیدند و بجای حکم قانونی که «کشورهای گوناگون است به سوی دیگری کشند که نتیجه اش جزایس و تأسیسات امت مستصفا و دیگر محرومانی که شرط امید به انقلاب اسلامی مانده‌اند از چیز دیگری نخواهد بود. شرط تحمیلی فوق بر ما لازم میسرده که در بیان واقعیت و در صورت لزوم اولاً تمامی آنچه را که هست بگوئیم نه تپس یا فلسفه‌های از آن و ثانیاً در بیان جزئی ترین نطفه های دلمان که باید از صفتی مسئولیت فردی و اسلامی بگذرد، شرایط اقلیمی را فراموش نکنیم.

امروز مردم کوچک و بزرگ بازار از خود می پرسند این دعواهای تقسیم ارضه و بیروزشگاهه بر سر چیست و سپارشان میسرند که واقعه احدتر کار شود. انبوه باران آمد که چندسب قبل کوه سفینک اورا در صفته تلویزیون دیداند می پرسند که کجاست کجاست و چرا کجاست؟

چرا کجاست؟ سیاسی چندروز اخیر گذشته به سلامت و بیطرفانه وارد آمد. مردم ما که برای بیروزشدن در این جنگ تحمیلی به نیکوترین نحوی بار سنگین جنگ را بدوش میکنند، از آن خبری پرسند چه شده است که هنوز دشمن را بیرون نراند، نوزاد انقلاب اسلامی مبارزعات تقسیم و اشتراک قدرت در حال ذبح شدن است. امروز بیخ از هر زمان سابقه و حدیث، وحشی و سراسیمه و پریایه ایثار و نغمه‌های نفسانی، خیل مسلمانان ما در این وحدت نیروهای صادق اسلامی، پشتیبان ما و در جبهه رانگرف امام‌محرور اسلامی این وحدت و شجاعت ما یبدهای شهدایمان باشد که استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی است. تاجار خون بار منله شدن انقلاب‌های قرن اخیر نشان داده است که بدون وحدت نیروها، آزادی در سولهای و زمینهای که جریله خزانده نشدند به پنداشدند شده و استقلال به واسطی میگردید. امت مسلمانان مغرب میانه که جمهوری اسلامی ایران و زمانی لازم است که شناسیستی زمین دریاها از داشته باشند. نباید پنداشتند که ملت وظیفه ای جزای و قدرت رسانمان ماندار، پیشی سیاسی و بلوغ مکتبی ملت مسلمانان اندازه بالاست که اجازه انحراف از خط اصلی امام را به احدی ندهد. امت اسلامی ما که تاکنون دست او ردهای باره‌ها فرام آورده و نهادهای اساسی انقلاب باره‌ها خلل ناپذیرا تحققی یافته است امروز رسالت خطیری را برعهده دارد. باید باصلا بداند گفت که نقش ملت در این لحظات سرنوشت سازمکز آزادی اندام ایست و دوشانده میسرند نیست. امروز ملت باید با صلاطت هرزه دانه‌ای را که خود کاشته است ببرد و با صلاطت مکتب ریشه آنان را بر کند. هرگز بزرگ و مسئولیت ملت امروز خطیری و مرطوب است تا نهادهای سیاسی در حیطه مسئولیت این قانونی از آن خود دست اندازی نکنند و بر این نهادهای اساسی نیز واجب است تا برمد نشان دهند که صلاطت انقلاب، ملت، علم، خن بهای شهدای و بالاتر از همه سلامت امام از قدرت تلمس های فردی، گروهی و نهادهای فراراست.



عبارت است از جوی که در آن باید از عادت دادن مردم به سطحی نگریستی و کوتاه فهمیدن احتراز نمود در میان واقعیت‌ها از آنچه هست ماه گرفته، به آنچه باید ماه رسد.

آموزش پیشی تاریخی، تزیین شکست‌های انقلابی، صیقل آینه سرگذشت پیروان انقلاب، پروراندن قوه ابتکار، بارانیدن ابتکار، نفس و خودکفایی، هدایت نیروهای راستین انقلابی، به کانون وحدت، شناساندن زندگی‌نامه دست اندکاران امور انقلاب، آزمون انقلابی نمایان و ایجاد شرایط جهت این آزمون، فراهم آوردن خلق، عرض وجود نمودن در عرصه بین الملل، تعرض مردم به ابتکار و تحمل سختی ها، گوشه جهت تهذیب نفس و تبلور خود در وجود میدهند، باید با شجاعت پذیرفتن ایتراداشت و با جرات اظهار کرد که متصافانه نارسائی‌ها را وجود دارند.

به سبب رابطه علت و معلولی سهمی از این نارسائی‌ها با از عدم قاطعیت های اوائل انقلاب، از شرایط سیاسی پیش از انقلاب و از روشنائی تاریخی ملی ماثبات میگردد. اما نباید پنداشتند که با این تقسیم بندی ریشه نارسائی‌ها خودمادر زمان حال بی تقصیر و معصومند. رابطه متقابل مازاین برهه تاریخی بحوست که شاید تمام نارسائی‌ها را مستقیم و گناه (بمعنای قانونی) را تنها بردوش یک فرد سوار نمود بلکه باید پذیرفت متصافانه در این سلسله پیوندهای متقابل حتی اگر کاری مستقیماً شرکت نداشته باشیم باید قسمتی از آنان انجام ناپدست آرا برداریم. از این سخن برمی آید که به لحاظ این سنگی اجباری تقابلی هر یک از نمایان به لحاظ وظیفه اسلامی و انسانی خود تا آنجا که میسرند از ارشاد دیگری چشم پوشیده و صاحب نظران مؤلفه دیدگاه‌های خود را در چهارچوب صلح درازمات انقلاب به معرض قضاوت عموم بگذارند و با دادن غای فکری و علمی به مردم آنان را در فهم درست واقعیت‌ها باری هدایت نامرست طبلان و موعظ شناسان توانمند از ناگاه‌های احتمالی توده‌ها با شاعرهای خوش آب و رنگ و با نغمه‌های چهره‌ها و با ناختن به نطفه صف‌های طبیعی از یک گل آلود ماهی بگیرند. همچنین غلبه و همراهی‌مانند باید به معاضدت مسئولین امر شد که مانند زان کسین و جی و غداغور اولی‌ها قدری امید نبود. براهل خرد و بر ششافتان انقلاب اسلامی کار خواهد کرد اگر گشته‌های نه چندان دور بر ما می‌آموزد که در چه بار و چه دردیگر بلاد گرمیزان مسئولیت‌ها مشخص و تعریف شده نباشند نفس زیاده

باید بدقت به تعریف آنان بپردازیم.

شرایط جنگی

عبارت است از وضعیت که هر عمل، کلام، حرکت و موضع گیری ما اثر حیاتی در تضعیف یا تقویت روحیه دشمن و پابین آوردن یا بالا بردن بنیه رزمی نیروهای خودی خواهد داشت لذا در این شرایط چه بسیارند سختی‌ها که باید گذشت اما جنگ، مهم سبکوت خود را تحمل میکند و گوگردان باید با سوزن شرایط جنگ که لب های دانه‌های «پراسرار حق» خود را بپزند، و سخنان را بگذرانند تا وقت دیگر و چه بسیارند اعمالی که باید انجام داد لیکن شرایط جنگ اجباب میکند که از ابتکار آنچه آنها چشم پوشیدیم، در شرایط جنگ نه تنها باید طرح های علمی دقیق ریخت داشتند توانمند از نقاط ضعف ما بهره گیری کرد بلکه باید کوشید که به بهترین گونه با جنگ روانی قدرت نهان را از خصم گرفت.

وضعیت بعد از انقلاب

عبارت است از جوی که در آن باید از عادت دادن مردم به سطحی نگریستی و کوتاه فهمیدن احتراز نمود در میان واقعیت‌ها از آنچه هست ماه گرفته، به آنچه باید ماه رسد.

آموزش پیشی تاریخی، تزیین شکست‌های انقلابی، صیقل آینه سرگذشت پیروان انقلاب، پروراندن قوه ابتکار، بارانیدن ابتکار، نفس و خودکفایی، هدایت نیروهای راستین انقلابی، به کانون وحدت، شناساندن زندگی‌نامه دست اندکاران امور انقلاب، آزمون انقلابی نمایان و ایجاد شرایط جهت این آزمون، فراهم آوردن خلق، عرض وجود نمودن در عرصه بین الملل، تعرض مردم به ابتکار و تحمل سختی ها، گوشه جهت تهذیب نفس و تبلور خود در وجود میدهند، باید با شجاعت پذیرفتن ایتراداشت و با جرات اظهار کرد که متصافانه نارسائی‌ها را وجود دارند.

به سبب رابطه علت و معلولی سهمی از این نارسائی‌ها با از عدم قاطعیت های اوائل انقلاب، از شرایط سیاسی پیش از انقلاب و از روشنائی تاریخی ملی ماثبات میگردد. اما نباید پنداشتند که با این تقسیم بندی ریشه نارسائی‌ها خودمادر زمان حال بی تقصیر و معصومند. رابطه متقابل مازاین برهه تاریخی بحوست که شاید تمام نارسائی‌ها را مستقیم و گناه (بمعنای قانونی) را تنها بردوش یک فرد سوار نمود بلکه باید پذیرفت متصافانه در این سلسله پیوندهای متقابل حتی اگر کاری مستقیماً شرکت نداشته باشیم باید قسمتی از آنان انجام ناپدست آرا برداریم. از این سخن برمی آید که به لحاظ این سنگی اجباری تقابلی هر یک از نمایان به لحاظ وظیفه اسلامی و انسانی خود تا آنجا که میسرند از ارشاد دیگری چشم پوشیده و صاحب نظران مؤلفه دیدگاه‌های خود را در چهارچوب صلح درازمات انقلاب به معرض قضاوت عموم بگذارند و با دادن غای فکری و علمی به مردم آنان را در فهم درست واقعیت‌ها باری هدایت نامرست طبلان و موعظ شناسان توانمند از ناگاه‌های احتمالی توده‌ها با شاعرهای خوش آب و رنگ و با نغمه‌های چهره‌ها و با ناختن به نطفه صف‌های طبیعی از یک گل آلود ماهی بگیرند. همچنین غلبه و همراهی‌مانند باید به معاضدت مسئولین امر شد که مانند زان کسین و جی و غداغور اولی‌ها قدری امید نبود. براهل خرد و بر ششافتان انقلاب اسلامی کار خواهد کرد اگر گشته‌های نه چندان دور بر ما می‌آموزد که در چه بار و چه دردیگر بلاد گرمیزان مسئولیت‌ها مشخص و تعریف شده نباشند نفس زیاده

«صدام» نوکر کمر بسته!

مداخله نظامی بکنند، و بالاخره، تشنجی را برای سرنگون کردن انقلاب اسلامی ایران به وجود بیاورد تا راه را برای استقرار دائمی و چابول کشورهای مستبدانه سراسر خاورمیانه و افریقا به وجود بیاورد. بنابراین، با بهره برداری از لاف های بلند پروازانه صدام حسین، و اعلام کردن به جهان که او کس بزرگ خلیج فارس است، حکومت «کارتل» به نحو سری، به او فرمان داده تا در کشور اسلامی ایران حمله کند و سران کشورهای دوست آمریکا از جنگ یعنی و کارنامه «صدام» نه تنها علیه ایران بلکه علیه تمام کشورهای امریالیسم و صهیونیسم جهانی، پشتیبانی کنند.

نیروهای مسلح ایران با ثابت کردن این که قدرت ایمان شان در مقاومت در برابر حملات دشمنان و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران دست کم گرفته شده است، تمامی جهان را بیرون کرد. در این جا، درس های بزرگی برای عناصر صدام اسلامی در غرب و همچنین رژیم بعثی بغداد و دیگر حوادران فاسد صدام حسین، که اقتدار آمریکا به آنها الهام می بخشد، وجود دارد. همه کسانی که اقتدار عقیده داشتند قدرت نیروهای مسلح ایران تحلیل رفته است، اکنون باید فهمند. پنداشتند که تصفیه سگنداران نظامی شده، یعنی ژنرال های سپری که بیش از آن که جنگجویان جدی مدعی صدام بلکه بگویند حامی سیاسی او بودند، و سرین مسئولیت ملی و مذهبی به اسراان جران با ایمان، به عنوان آن را تصفیه کنند، آن را تقویت کرده است، و ریشه های انقلاب اسلامی، عمیق تر از آن است که هر کسی می پنداشت.

ایران، به عنوان یک کشور اسلامی نیرومند، شور مذهبی مقاومت در برابر حملات دشمنان و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران دست کم گرفته شده است، تمامی جهان را بیرون کرد. در این جا، درس های بزرگی برای عناصر صدام اسلامی در غرب و همچنین رژیم بعثی بغداد و دیگر حوادران فاسد صدام حسین، که اقتدار آمریکا به آنها الهام می بخشد، وجود دارد. همه کسانی که اقتدار عقیده داشتند قدرت نیروهای مسلح ایران تحلیل رفته است، اکنون باید فهمند. پنداشتند که تصفیه سگنداران نظامی شده، یعنی ژنرال های سپری که بیش از آن که جنگجویان جدی مدعی صدام بلکه بگویند حامی سیاسی او بودند، و سرین مسئولیت ملی و مذهبی به اسراان جران با ایمان، به عنوان آن را تصفیه کنند، آن را تقویت کرده است، و ریشه های انقلاب اسلامی، عمیق تر از آن است که هر کسی می پنداشت.

امپریالیسم، عامل اصلی گرسنگی جهانی

برای میلیون ها انسان که ناگزیرند با آنچه می توانند در توده های زباله بیابند، زنده بمانند یا به سختی می توانند با جیره های ناچیز برنج، ذرت و غیره زنده بمانند یا ناگزیر با شکم های متورم و خالی به اطراف می روند عبارت جبران مواد غذایی جهانی، بی تردید بزرگ ترین کتمان حقیقت جلوه می کند.

برای مردم گرسنه هر سوسم نیست در کنگره ها و کنفرانس هایی که درباره وضع خواربار جهانی، رشد جمعیت، مسیر مارکس های سبزی، و در باره فورتناهای هراس انگیز شالی ها برگزار می شود، شرکت کنند.

تفصیلت کم تا آنجا که ما می دانیم، چنین شیخ صیلا به سوسه گذاشته می، در سخن رانی هایی که دادین ول هارونز اخیراً در کاراکرا درباره مسئله خواربار کرد، شرکت نکرد.

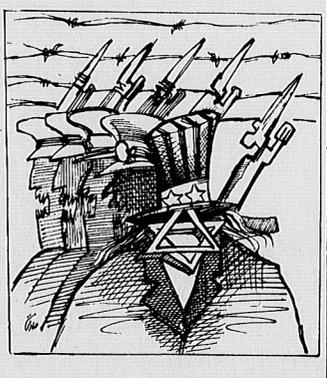
کم تا آنجا که ما می دانیم، چنین شیخ صیلا به سوسه گذاشته می، در سخن رانی هایی که دادین ول هارونز اخیراً در کاراکرا درباره مسئله خواربار کرد، شرکت نکرد.

برای مردم گرسنه هر سوسم نیست در کنگره ها و کنفرانس هایی که درباره وضع خواربار جهانی، رشد جمعیت، مسیر مارکس های سبزی، و در باره فورتناهای هراس انگیز شالی ها برگزار می شود، شرکت کنند.

تفصیلت کم تا آنجا که ما می دانیم، چنین شیخ صیلا به سوسه گذاشته می، در سخن رانی هایی که دادین ول هارونز اخیراً در کاراکرا درباره مسئله خواربار کرد، شرکت نکرد.



گرسنگی، بریزد در کشورهای جهان سوم بیاد می کند.



از مطبوعات اسلامی

حکومت «کارتل» به نحو سری به «صدام» فرمان داد تا به کشور اسلامی ایران حمله کند و سران کشورهای دوست آمریکا از جنگ او نه تنها علیه ایران بلکه علیه تمامی جهان اسلام به سود امریالیسم و صهیونیسم جهانی، پشتیبانی کنند.

غرب و تورکان در منطقه، اکنون باید به عواقب جنگ علیه یک کشور اسلامی بیندیشند، جنگی که با سرنگونی حکومت ایران پایان نخواهد یافت، بلکه با سقوط حکومت «صدام حسین» پایان خواهد یافت.

انتخاب بیت المقدس اشغال شده به وسیله اسرائیل به عنوان پایتخت ابدی کشور یهودی، اهانت آمیزترین و بیاداری تمامی جهان اسلام در تاریخ معاصر بود که بدون رضایت خاتنه سنگدانان سیاسی ایالات متحده در خوارمیلی است توانست با ترغیب مشترک امریکایی ها و صهیونیست ها صورت بگیرد. بنابراین، لاف زدن ملک حسین که در این در روابط خود را هر قدر پیشی رود قدرت های عرب درسی به اسرائیل و حوادران آن در برده، و همچنین اعلامیه فریبکارانه «صداقت» در مورد طرفه اصطلاح و گفت و گوهی خردمختاری، و مطرح کردن مساله ضرورت جهان از سوی شاهزاده «فهد» چیزی جز یک دوست بازی نبود و بخش های گوناگون نقشی که در این دستور داده شده است، کند. برای آن بود که از ششم مسلمانان از این گونه عمل فریبکارانه اهانت آمیز خواهد یافت.

سپس، زمانی فراسید که امریالیسم آمریکا می خواست، نه بر برنده، بلکه در حقیقت سه برنده را با یک تیر بکشد، یعنی مسلمانان را واردات را ممنوع بیت المقدس و پراختسگری صهیونیستی را به کلی ازموش کند، وضعی را به وجود بیاورد که در آن وضع بتواند برای تصرف منابع نفتی منطقه خلیج فارس

امام حسین گفت: «اکنون، تمامی جهان کفر علیه تمامی اسلام دست به جنگ کشد»

راه حل برای «بحران مواد غذایی» - به عبارت دیگر گرسنگی جهانی - پیش از هر چیز اصلاحات ارضی حقیقی را اجباب می کند؛